

اخلاق جنگ و هولوکاست غزه

دکتر جواد دانش *

«حتی در جهنم جنگ، انسانیت می تواند و باید زنده بماند»

ژان پیکته

اشاره

بحران جاری در غزه، نمونه ای عینی از شکست هنجارهای اخلاقی و اصول حقوق بین الملل بشردوستانه در مواجهه با مخاصمات مسلحانه است. این یادداشت مختصر، ضمن تبیین ابعاد انسانی و حقوقی فاجعه غزه، با رویکردی تطبیقی میان سنت فلسفی - اخلاقی غرب (به ویژه نظریه جنگ عادلانه آکویناس) و تعالیم اسلامی، نشان می دهد که کشتار جمعی غیرنظامیان و تخریب گسترده زیرساخت ها، نه تنها نقض قوانین، بلکه چالشی تأسف بار برای ارزش های لیبرال و بنیادهای حقوقی - اخلاقی به شمار می آید.

درآمد

پدیدارشناسی جنگ های معاصر و به طور خاص منازعه جاری در غزه نه تنها به عنوان یک تراژدی رقت انگیز انسانی با ابعاد فاجعه بار، بلکه به مثابه یک «آزمایشگاه بحرانی» برای نظریه های اخلاقی و حقوقی، ضرورت بازاندیشی بنیادین در مبانی حاکم بر مخاصمات مسلحانه را بیش از گذشته آشکار کرده است. آنچه در غزه رخ می دهد، فراتر از رویدادی خبری یا بحران ژئوپلیتیکی صرف است. این وضعیت، تجسم عینی و دردناک شکست هنجارهای اخلاقی و الزامات حقوقی نظام بین الملل و تبلور ظلمی است که بر پیکر جامعه ای محصور و

* مدیر گروه فلسفه اخلاق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بی دفاع وارد می‌آید. کشتار بی وقفه انسان‌ها به‌ویژه غیرنظامیان بی‌شماری که بیشتر آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند و تخریب نظام‌مند و گسترده زیرساخت‌های حیاتی - از بیمارستان‌ها و مدارس گرفته تا نانوائی‌ها و پناهگاه‌ها - دیگر تنها آمارهای انتزاعی نیستند. این نمونه‌ها و بسیاری دیگر از این قبیل، به «داده‌های وجودی»^۱ بدل شده‌اند که هر فیلسوف اخلاق و هر نظریه‌پرداز جنگ عادلانه‌ای را به پرسش از حدود و ثغور جواز اخلاقی توسل به خشونت و مسئولیت‌پذیری در قبال پیامدهای آن فرا می‌خواند.

مشاهده‌های میدانی و گزارش‌های مستند از غزه، تصویر بهت‌انگیزی از «دوزخی زمینی» را به نمایش می‌گذارد. سرزمین سوخته‌ای که قلب‌ها نه از بیماری‌های طبیعی، که از ترکش بمب‌ها و وحشت از دست‌دادن ناگهانی عزیزان، از تپش باز می‌ایستند؛ نفس‌ها نه در آرامش خواب، که در زیر آوار خانه‌های ویران‌شده یا در میان دود و غبار ناشی از انفجارهای پیاپی در سینه حبس می‌شوند؛ همچنین انسان‌ها نه به استعاره، که به معنای واقعی کلمه در لهیب آتش سلاح‌های ممنوعه و بمباران‌های بی‌امان می‌سوزند. این ظلم عریان که با محاصره خفه‌کننده و محرومیت از ابتدایی‌ترین نیازهای انسانی چون آب، غذا، دارو و سرپناه تشدید می‌شود، صرفاً بحرانی بشردوستانه نیست، بلکه بحران عمیق اخلاقی است که نه‌تنها وجدان فردی، بلکه بنیان‌های تئوریک نظام اخلاقی و حقوقی بین‌المللی را به چالش می‌کشد. در چنین بزنگاهی، سخن تکان‌دهنده کانت بار دیگر طنین‌انداز می‌شود که می‌گفت: «چهره انسان از شرم اینکه به گروهی تعلق دارد که می‌تواند قربانی چنین رفتاری باشد، گلگون می‌شود».^۲ این شرم نه‌تنها یک واکنش عاطفی فردی، بلکه بازتابی از آگاهی عمیق در برابر نقض فاحش کرامت انسانی و فروپاشی آن دسته از هنجارهای بنیادینی است که مشترکات بشری ما را تعریف می‌کند و مظلومانه تقلا می‌کنند هنوز ما را گرداگرد پاره‌ای از ارزش‌های انسانی بنشانند و غبار عداوت از رخسار خسته و ملول انسان امروز بزدایند. این وضعیت، افزون بر پرسش‌هایی بنیادینی که در حوزه فلسفه سیاسی (در باب حاکمیت و مسئولیت دولت‌ها در شرایط خاص) و حقوق بین‌الملل

1. existential data.

2. Immanuel Kant, *The Metaphysics of Morals*. Trans. Mary Gregor. Cambridge: Cambridge University Press, 1991, p.255.

بشردوستانه (درباره اجرای اصولی چون ضرورت و تناسب) به همراه دارد، در حوزه فلسفه اخلاق به‌ویژه اخلاق جنگ نیز محمل تأملات بسیاری بوده است.

جنگ در آینه اخلاق

چنان‌که اشاره شد، هنجارها و الزامات اخلاقی حاکم بر جنگ‌ها به‌ویژه در ارتباط با حفاظت از جان غیرنظامیان، یکی از دیرپاترین و با وجود این، چالش‌برانگیزترین مباحث اخلاق کاربردی است. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن (۱۹۷۷) با تأکید بر «اصل تمایز»^۱ میان افراد نظامی حاضر در جنگ و غیرنظامیان، تصریح می‌کند طرفین مخاصمه باید در همه حال میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و نیز بین اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند و بر این اساس، عملیات خود را فقط علیه اهداف نظامی هدایت کنند (ماده ۴۸)؛ حتی اعمال یا تهدیداتی که منجر به رعب و وحشت در میان این غیرنظامیان شود، ممنوع به شمار می‌رود (ماده ۵۱).^۲ شمول این اصل افزون بر انسان‌های بی‌پناه شهرها و روستاهای دو طرف نزاع، چنان گسترده است که به بیان مارکو ساسولی و آنتوان بویه در اثر دایرةالمعارف‌گونه چگونه حقوق در جنگ محافظت می‌کنند؟، حتی پزشکان و پرستارانی که در خط مقدم می‌کوشند مجروحان را مداوا نمایند، خبرنگارانی که حقیقت را روایت می‌کنند و کارکنان بشردوستانه‌ای که کمک می‌رسانند را نیز دربر می‌گیرد.^۳ ایان هندرسون در کتاب حقوق معاصر هدف‌گیری: اهداف نظامی، تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله بر اساس پروتکل الحاقی اول که به بررسی عمیق و تحلیلی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم بر هدف‌گیری در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد و مفاهیمی مانند «اهداف نظامی»، «اصل تناسب» در حمله و الزام به اتخاذ «اقدامات احتیاطی» را تجزیه و تحلیل می‌کند، گامی فراتر می‌نهد و نشان می‌دهد اماکن و اشیاء نیز از این حمایت برخوردارند؛ از این‌رو پناهگاه‌ها، مساجد، کلیساها، مدارس، بیمارستان‌ها و

1. Principle of Distinction.

2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I), Articles 48 & 51.

3. Marco Sassoli, Antoine A. Bouvier, *How Does Law Protect in War?: Cases, Documents and Teaching Materials on Contemporary Practice in International Humanitarian Law*, Fourth Edition, International Committee of the Red Cross (ICRC), 2017, pp. 208-213.

موزه‌ها از جمله مکان‌هایی هستند که نباید هدف قرار گیرند.^۱

اما گذشته از هنجارهایی که در کتاب‌های حقوقی برای جنگ نگاشته شده است، در آثار فلسفی نیز قواعد و الزاماتی برای آغاز رخداد جنگ، شیوه جنگیدن و چگونگی رفتارهای پس از پایان آن ذکر شده است.^۲ توماس آکویناس - فیلسوف و الهی‌دان برجسته قرون وسطی - در بخش دوم از قسمت دوم اثر برجسته و ماندگار خود جامع الهیات ذیل پرسش ۶۴، به تفصیل درباره جنگ و شرایطی بحث می‌کند که تحت آن یک جنگ می‌تواند «عادلانه» دانسته شود.^۳ او سه شرط اصلی را برای مشروعیت حق توسل به جنگ مطرح می‌کند که در ادامه به اختصار آنها را مرور خواهیم کرد. آکویناس بحث خود را با این پرسش آغاز می‌کند که آیا جنگیدن همیشه گناه است؟ وی با استناد به متون مقدس و آثار آباء کلیسا (به‌ویژه آگوستین قدیس)، نتیجه می‌گیرد جنگ تحت شرایط خاصی می‌تواند مجاز و حتی ضروری باشد. این شرایط برای محدود کردن خشونت و اطمینان از اینکه جنگ تنها آخرین راه حل و برای اهداف درست به کار گرفته می‌شود، وضع شده‌اند. اما این جنگ گریزناپذیر نیز تنها با سه شرط زیر موجه خواهد بود:

1. Ian Henderson, *The Contemporary Law of Targeting: Military Objectives, Proportionality and Precautions in Attack under Additional Protocol I*, Martinus Nijhoff Publishers, 2009, pp. 87-126.

۲. برای مثال برای آشنایی با آراء کانت درباره قواعد جنگ، نک:

Immanuel Kant, *Perpetual Peace and Other Essays*, Translated by Ted Humphrey, Hackett Publishing Company, 1983.

مقاله برجسته «حق دروغ‌گویی» از کرسگارد به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه امر مطلق کانتی - که به ما توصیه می‌کند انسان‌ها را همیشه به‌مثابه غایت و نه صرفاً وسیله در نظر بگیریم - می‌تواند به نتایج مبارکی چون ممنوعیت قتل غیرنظامیان منتهی می‌شود. نک:

Christine M., Korsgaard, "The Right to Lie: Kant on Dealing with Evil," *Philosophy & Public Affairs*, 4 (1986), pp. 325-349.

مایکل والزر با کتاب مهم جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه انقلابی در اخلاق جنگ رقم زد. او در این کتاب با بیان اینکه در نقشه اخلاقی جنگ، حتی وقتی کشورها در حال نبردند، غیرنظامیان در قلمرو صلح زندگی می‌کنند، تأکید می‌کند که ممنوعیت قتل غیرنظامیان نه صرفاً یک قاعده حقوقی، بلکه یک اصل عمیق اخلاقی است؛ نک:

Michael Walzer, *Just and Unjust Wars: A Moral Argument with Historical Illustrations*, 5th ed., New York: Basic Books, 2015.

3. Thomas Aquinas, *Summa Theologica*. Vol. 3. Translated by the Fathers of the English Dominican Province. New York: Benziger Bros, 1947.

۱. اختیار حاکم

اولین شرط این است که جنگ باید از سوی قدرت حاکم مشروع و قانونی اعلام شود؛ بدان معنا که افراد خصوصی یا گروه‌هایی که قدرت سیاسی و مسئولیت اداره جامعه را ندارند، نمی‌توانند به طور مشروع آغازکننده جنگی باشند. بنابراین تنها کسی که مسئولیت «خیر عمومی»^۱ یک کشور یا جامعه را بر عهده دارد (مانند پادشاه، حاکم یا دولت مشروع)، صلاحیت اعلام جنگ را خواهند داشت. آکویناس برای اثبات این مدعای خود به سه دلیل متوسل می‌شود؛ دلیل نخست: لزوم حفظ نظم عمومی؛ به تحقیق اگر هر فردی می‌توانست آغازکننده جنگ باشد، جامعه به هرج و مرج و ناامنی دائمی مبتلا می‌شد، در حالی که وظیفه حاکم، حفظ صلح و نظم در داخل و دفاع از جامعه در برابر تهدیدهای خارجی است. دلیل دوم: مسئولیت در قبال خیر عمومی؛ جنگ اقدامی جمعی است که بر همه جامعه تأثیر می‌گذارد. بنابراین تصمیم به آغاز آن را باید کسی بگیرد که نماینده و مسئولیت همه جامعه را بر عهده دارد. دلیل سوم: جایگزینی آن به جای دادخواهی خصوصی؛ روشن است که افراد متعارف برای احقاق حق خود باید به دادگاه‌ها و مقامات قانونی مراجعه کنند، نه اینکه خودسرانه دست به اسلحه ببرند. جنگ به نوعی، اقدام قانونی جامعه علیه جامعه‌ای دیگر است که خطایی مرتکب شده‌اند و گریزی جز جنگ مسلحانه با آنها نیست.

۲. دلیل عادلانه

شرط دوم آکویناس آن است که باید دلیل موجه و عادلانه‌ای برای آغاز جنگ وجود داشته باشد؛ بنابراین صرف داشتن قدرت و اختیار برای اعلام جنگ کافی نیست، بلکه لازم است ظلم یا تجاوزی انجام گرفته باشد تا بتوان جنگ را پاسخی در برابر آن دانست. او در ادامه توضیح می‌دهد جنگ می‌تواند برای مجازات ملتی که مرتکب خطای بزرگی شده و از جبران آن یا تنبیه خاطیان خودداری می‌کند، آغاز شود و این مسئله شامل بازپس‌گیری آنچه به ناحق گرفته شده (مانند سرزمین یا اموال) نیز می‌شود.

۳. نیت درست

آخرین شرط آکویناس برای موجه‌بودن جنگ‌ها، داشتن نیت و انگیزه صحیح از سوی

1. Common good.

جنگ افروزان است. از این دیدگاه، حتی اگر جنگ را حاکم مشروع و با دلایل عادلانه و موجه آغاز کند، اگر نیت فرماندهان و سربازان نادرست باشد، جنگ می‌تواند «ناعادلانه» تلقی شود. او توضیح می‌دهد هدف اصلی از جنگ باید برقراری یا بازگرداندن صلح پایدار، ترویج خیر و خوبی و سرکوب شر و بدی باشد؛ بنابراین به جنگ باید در جایگاه وسیله‌ای برای رسیدن به وضعیتی بهتر و عادلانه‌تر از آنچه قبل از جنگ وجود داشت، نگریسته شود. آکویناس در ادامه تصریح می‌کند نیت‌هایی مانند شهوت قدرت، کینه‌توزی و انتقام‌جویی کور، حرص و طمع برای غارت، میل به آسیب‌رساندن و کشتار بی‌دلیل یا تحمیل عقاید خود بر دیگران، جنگ را حتی با وجود دو شرط اول، نامشروع می‌سازد. همچنین نیت درست ایجاب می‌کند که جنگ با کمترین خسونت و تلفات ممکن انجام شود و هدف آن نابودی کامل دشمن یا ایجاد رنج غیرضروری نباشد؛ بنابراین کشتار غیرنظامیانی که اساساً نقشی در جنگ ندارند یا نابودی سرزمین آنها ناموجه خواهد بود.

این سه شرط آکویناس، سنگ‌بنای نظریه جنگ عادلانه در سنت مسیحیت غربی و بعدها در حقوق بین‌الملل سکولار شد. هدف آکویناس نه ترویج جنگ، بلکه محدودکردن آن و ارائه چارچوبی اخلاقی برای ارزیابی مشروعیت توسل به زور بود. چارچوبی که بعدها و با وجود آنکه با پیچیدگی‌های دنیای مدرن، تفاسیر و الحاقات جدیدی نیز به آن اضافه شد، به‌کرات در بحث‌های ناظر به اخلاق جنگ و مداخلات نظامی مورد استناد و بحث قرار می‌گیرد. در چارچوب نگرش آکویناس، جنگ ویران‌کننده کنونی علیه مردم بی‌پناه غزه تنها در صورتی توجیه اخلاقی خواهد داشت که ظلم یک‌طرفه‌ای از طرف مقابل به مردم و سرزمین‌های اشغالی تحمیل شده باشد و انگیزه جنگ افروزان صهیونیست از حملات یک‌سویه کنونی، برقراری صلح و ترویج خیر باشد!

جنگ از دیدگاه اسلام

در دین مبین اسلام، اصالت با صلح و همزیستی است.^۱ با استناد بر قاعده اصولی «حمل مطلق بر مقید» به نظر می‌رسد جواز جنگ، مضیق به پیکارهای تدافعی شده است. علامه طباطبایی

۱. نک: انفال: ۶۱؛ نساء: ۱۲۸؛ بقره: ۲۰۸.

در جلد دوم تفسیر گرانسنگ المیزان با بیان «القتال محاوله الرجل قتل من يحاول قتله» تأکید می‌کنند قتال و جنگ تنها کوشش در کشتن کسی است که سعی در کشتن انسان دارد؛^۱ از این رو واژه «فتنه» هم که از سوی برخی از مفسران به دلیل کاربرد در آیه «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»^۲ معادل شرک و کفر قلمداد شده و بدین ترتیب آیه مذکور را به معنای مطلق جنگ و کشتار کفار و مشرکان اخذ نموده‌اند، در حقیقت مرادف با «شرک» نیست، بلکه به معنای برنامه‌ریزی و فتنه‌انگیزی کافران و مشرکان و طراح‌ی و آغاز جنگ علیه مسلمانان یا شکنجه‌دادن و زندانی کردن و کشتن مؤمنان به دلیل دین‌شان است.^۳

گذشته از هنجارهای ورود در جنگ، اسلام در زمان قتال نیز الزامات اخلاقی خاصی چون آسیب‌نرساندن به مزارع و درختان،^۴ پرهیز از تخریب ساختمان‌ها و اماکن^۵ و آسیب‌نرساندن به حیوانات^۶ را در نظر دارد که در این میان می‌توان مهم‌ترین آنها را اصل تعرض نکردن به غیرنظامیان برشمرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را از قتل پیران، زنان، اطفال، عابران و راهبانی که در غارها و بیغوله‌ها زندگی می‌کنند، برحذر می‌دارد؛^۷ همچنین امیر مؤمنان خطاب به معقل ابن قیس که به در جایگاه فرمانده مأموریت جنگی را بر عهده داشت، تأکید می‌فرمایند: «از خدا بترس و جز با کسی که با تو پیکار می‌کند، پیکار نکن».^۸

تفکیک میان افراد نظامی و مسلحی که به مبارزه برخاسته‌اند یا به گونه‌ای در جنگ شرکت

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲. بقره: ۱۹۱.

۳. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، جهاد در اسلام، ص ۲۳ - ۲۶.

۴. نک: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، ص ۵۹؛ نیز، محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۶۰.

۵. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۶۱؛ نیز: محمد ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۸ - ۹.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۷۹.

۷. همان، ج ۹۷، ص ۲۵.

۸. نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، نامه ۱۲.

دارند از دیگران و لزوم مدارا با غیرنظامیان تا آنجاست که صاحب جواهر الکلام در باب اصل حمایت از افراد غیرنظامی می نویسد: «کسی از فقها را سراغ ندارم که با این مسئله مخالف باشد».^۱

ذکر این نکته لازم به نظر می رسد که هنجارهای بنیادین حقوق بشردوستانه و از جمله اصول «تمایز و تناسب»، ریشه های عمیقی در آموزه های اسلامی دارند. آیه شریفه ۱۹۰ سوره «بقره» نمونه ای درخشان از این مدعاست. حضرت حق در این آیه به مسلمانان تأکید می فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، پیکار کنید؛ و از حد تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد». بر اساس این آیه، جنگ در راه خداوند مشروط به این شرایط است:

۱. «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (در راه خدا)

این عبارت، انگیزه و هدف جنگ را مشخص می کند. جنگ در اسلام، یک هدف فی نفسه نیست، بلکه وسیله ای است برای اهداف عالی تر مانند دفاع از مظلوم، رفع فتنه، برقراری عدالت و تأمین امنیت برای عبادت و زندگی مسالمت آمیز. این هدف گذاری الهی، خودبه خود محدودیت هایی را بر شیوه جنگیدن اعمال می کند. جنگی که «در راه خدا» باشد، نمی تواند با ظلم، تجاوز و نقض کرامت انسانی همراه شود.

۲. «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (کسانی که با شما می جنگند)

این بخش به روشنی بیان کننده اصل تمایز است. فرمان جنگ، محدود به کسانی است که «فعالانه در حال جنگ» با مسلمانان هستند. این مسئله به معنای تفکیک صریح میان نظامیان و غیرنظامیان است؛ بنابراین حمله به زنان، کودکان، سالخوردگان، راهبان و کشیشانی که در جنگ شرکت ندارند، کشاورزان، تجار و صنعتگرانی که به امور روزمره خود مشغول اند و سلاح به دست نگرفته اند، بر اساس این آیه مجاز نیست. این مسئله دقیقاً همان چیزی است که حقوق بین الملل بشردوستانه مدرن تحت عنوان «مصونیت غیرنظامیان» مطرح می کند.

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۷۳-۷۴.

۳. «وَلَا تَعْتَدُوا» (و از حد تجاوز نکنید)

این دستور، ناظر بر اصل تناسب و همچنین محدودیت در ابزارها و روش‌های جنگی است. گفتنی است «تعدی» یا تجاوز از حد، می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد:

(الف) گسترش جنگ به غیرجنگجویان: همان‌طور که اشاره شد، اگر دامنه جنگ بدون ضرورت معقول و موجه به غیرنظامیان گسترش یابد، مصداق بارز «تعدی» است.

(ب) استفاده از خشونت بیش از حد نیاز: حتی در مقابله با جنگجویان دشمن، استفاده از خشونت نامتناسب با هدف نظامی مشروع (مانند مثله‌کردن، شکنجه یا کشتار پس از تسلیم‌شدن) مصداق «تعدی» است.

(ج) تخریب بی‌مورد و غیرضروری: نابودکردن اموال، مزارع و زیرساخت‌هایی که ارتباط مستقیم با توان نظامی دشمن ندارند و صرفاً موجب رنج و عذاب بیشتر مردم می‌شود، «تعدی» به شمار می‌آید.

(د) نقض عهد و پیمان: زیرپا گذاشتن توافقات و امان‌نامه‌ها نیز از مصادیق «تعدی» است.

۴. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (خدا تعدی‌کنندگان را دوست ندارد)

این عبارت، ضمانت اجرایی اخلاقی و معنوی بسیار قوی برای رعایت این اصول است. محبوبیت‌نداشتن نزد خداوند برای فرد مؤمن، انگیزه‌ای قدرتمند برای پرهیز از تجاوز و ظلم است. این مسئله نشان می‌دهد این قواعد فقط توصیه‌هایی مصلحتی نیستند، بلکه ریشه در نظام ارزشی الهی دارند.

این نکته را نیز به مدعای پیشین می‌توان افزود که آموزه‌های اسلامی در باب اخلاق جنگ، حتی فراتر از اصول تمایز و تناسب رفته‌اند و مفاهیمی چون ضرورت نظامی و اقدامات احتیاطی را نیز دربر می‌گیرد. اصل «الَّذِينَ يُفَاتِلُونَكُمْ» و هدف «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» نشان می‌دهد که توسل به جنگ تنها در صورت ضرورت و برای دفع تجاوز یا فتنه مجاز است. نهی از روش‌های کور و بی‌رویه (مانند ریختن سم) یا حملات غافل‌گیرانه بدون اتمام حجت (در برخی موارد)، به نوعی نشان‌دهنده لزوم اتخاذ تدابیری برای کاهش آسیب‌های جانبی است.

بنابراین کاملاً روشن است که شارع مقدس در اسلام، قرن‌ها پیش از تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه مدرن، اصول و قواعد دقیقی را برای انسانی‌کردن جنگ و محدودکردن

خشونت وضع کرده است. آیه شریفه پیش گفته و سیره نبوی، گواهان روشنی بر این مدعا هستند که اخلاق و معنویت حتی در سخت‌ترین شرایط مانند جنگ، نباید به فراموشی سپرده شوند. بازخوانی و تبیین این آموزه‌ها می‌تواند به تقویت فرهنگ رعایت حقوق بشردوستانه در جهان امروز به‌ویژه در جوامع اسلامی کمک شایانی نماید. همچنین این اصول اخلاقی و حقوقی در بزنگاه‌هایی چون بحران غزه، بیش از پیش اهمیت خود را نشان می‌دهند و معیار سنجش رفتار طرفین درگیر قرار می‌گیرند.

نتیجه

تجربه تلخ و جاری غزه نشان می‌دهد که اصول اخلاقی و حقوقی حاکم بر جنگ، نه تنها بر صفحه متون بین‌المللی یا سنت‌های دینی باقی نمی‌مانند، بلکه در بزنگاه‌های عینی، چونان معیار قضاوت در برابر فجایع انسانی، به محک آزمون گذاشته می‌شوند. همان‌گونه که واکاوی تطبیقی نظریه جنگ عادلانه در سنت فلسفی غرب و آموزه‌های اسلامی نشان داد، اصولی چون تمایز، تناسب و الزام به نیت درست، بنیاد هر نوع توجیه مشروع برای توسل به خشونت را تشکیل می‌دهند؛ اصولی که نقض آنها حتی اگر به نام قانون یا منافع ملی باشد، هم بر مبانی حقوق بین‌الملل خدشه وارد می‌کند و هم وجدان اخلاقی بشریت را جریحه‌دار می‌سازد.

در پرتو آموزه‌های حقوق بشردوستانه مدرن و تعالیم اسلامی، کشتار سیستماتیک غیرنظامیان و تخریب بی‌رویه زیرساخت‌ها - همان‌گونه که امروز در غزه شاهدیم - مطلقاً فاقد هرگونه توجیه اخلاقی و حقوقی است. وضعیت غزه نه فقط تراژدی انسانی، که نشانه عمیق بحران و فروپاشی هنجارهای اخلاق جنگ و آزمونی برای مواضع نظام‌های حقوقی و فلسفه‌های اخلاقی معاصر است. تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، بازگشت صادقانه به اصول بنیادین کرامت انسانی، پذیرش مسئولیت اخلاقی و حقوقی دولت‌ها و تقویت نظم جهانی مبتنی بر حق و عدالت است؛ مسیری که اگرچه دشوار و پرچالش است، هنوز تنها امید واقعی برای جلوگیری از تکرار چنین فجایع و حراست از ارزش‌های مشترک انسانی به شمار می‌آید. در این راستا، تبیین دوباره و مطالبه جدی اجرای اصول تمایز، تناسب و ضرورت، فارغ از جغرافیا یا دین، باید دغدغه مشترک همه کسانی باشد که به کرامت انسان، اخلاق جهانی و صلح شرافت‌مندانه باور دارند.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
۳. حلی، محمد ابن ادريس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۴. صالحی نجفآبادی، نعمت‌الله، جهاد در اسلام، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲ ش.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۳ م.
۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
1. Aquinas, Thomas. *Summa Theologica*. Vol. 3. Translated by the Fathers of the English Dominican Province. New York: Benziger Bros., 1947
2. Henderson, Ian. *The Contemporary Law of Targeting: Military Objectives, Proportionality and Precautions in Attack under Additional Protocol I*, Martinus Nijhoff Publishers, 2009
3. Kant, Immanuel. *The Metaphysics of Morals*. Translated by Mary Gregor. Cambridge: Cambridge University Press, 1991
4. Kant, Immanuel. *Perpetual Peace and Other Essays*. Translated by Ted Humphrey, Hackett Publishing Company, 1983
5. Korsgaard, Christine M. "The Right to Lie: Kant on Dealing with Evil," *Philosophy & Public Affairs*, 4 (1986)
6. Sassoli, Marco; Bouvier, Antoine A. *How Does Law Protect in War?: Cases, Documents and Teaching Materials on Contemporary Practice in International Humanitarian Law*, Fourth Edition, International Committee of the Red Cross (ICRC), 2017
7. Walzer, Michael. *Just and Unjust Wars: A Moral Argument with Historical Illustrations*, 5th ed., New York: Basic Books, 2015
8. *Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I)*, Articles 48 & 51.